

مقایسه سنن اجتماعی تمدن ساز انبیاء و طاغوتیان از دیدگاه قرآن

محمد ناصر سقای بی ریا*

استادیار موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

چکیده

در این مقاله سنن اجتماعی تمدن ساز انبیاء عظام و در مقابل آن‌ها سنن اجتماعی طاغوتیان از دیدگاه قرآن کریم مورد مطالعه قرار می‌گیرد. قرآن کریم به سنن اجتماعی انبیاء عظام به‌عنوان سنن جاری نقش آفرین در گذشته، حال و آینده امت واحده می‌نگرد. این سنت‌ها را به شکل عام می‌توان سنن اجتماعی تمدن ساز و به لحاظ آرمان‌های معطوف به آینده سنن اجتماعی تمدن نوین اسلامی نامید. این مقاله از روش توصیف و تحلیل آیات قرآن کریم با روش تفسیری و اجتهادی و در صورت نیاز از نهج‌البلاغه و دیگر روایات و احیانا از نظریه‌ها و دیدگاه‌های اندیشمندان مسلمان بهره می‌گیرد. سؤال این است که از دیدگاه قرآن کریم سنت‌های اجتماعی تمدن ساز انبیاء عظام که در ادامه به تشکیل تمدن نوین اسلامی می‌انجامد و در برابر آن‌ها سنت‌های اجتماعی طاغوتی آنچه بوده است؟ این بررسی نشان می‌دهد که سنن اجتماعی تمدن ساز انبیاء عظام شامل: ۱. اکرام انسان‌ها در برابر خوار شماردن، ۲. هدایتگری در برابر گمراه کردن، ۳. عدالت‌گستری در برابر دعوت به ستم، ۴. دعوت به فضیلت و آبادگری در برابر فساد و تبهکاری می‌شود. از دیدگاه قرآن، سنت‌های تمدن ساز انبیاء در نهایت بر سنت‌های طاغوتیان غلبه خواهد کرد و به تشکیل حکومت عدل الهی در سراسر جهان و تشکیل تمدن نوین اسلامی خواهد انجامید.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، سنن اجتماعی، تمدن سازی، تمدن نوین اسلامی، انبیاء، طاغوتیان.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۲۲

* (نویسنده مسئول: biria1390@gmail.com)

مقدمه

انقلاب اسلامی توانسته حکومتی مبتنی بر قرآن کریم و آموزه‌های اسلام در جهان معاصر را بوجود آورد. این انقلاب را باید حلقه‌ای از حرکت انبیاء الهی و خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله به حساب آورد که با استفاده از سنت‌های اجتماعی تمدن ساز انبیاء الهی می‌تواند زمینه ساز تمدن نوینی باشد که قرآن کریم وعده آن را به بندگان صالح خود داده است. پایه‌های این تمدن نوین را باید در جهان بینی الهی انبیاء و پیروان راستین آن‌ها و در درجه بعد و مبتنی بر آن در سنت‌های اجتماعی آنان جستجو کرد. امام خمینی (ره) رهبر انقلاب اسلامی و بنیان گذار جمهوری اسلامی معتقد است اسلام خود از پایه گذاران تمدن بزرگ در جهان بوده و هر کشوری که به قوانین اسلام عمل نماید بدون شک از پیشرفته ترین کشورها خواهد شد (صحیفه نور، ج پنجم، ص ۲۰۴).

رجوع به قرآن کریم نقطه اصلی این پژوهش را تشکیل می‌دهد. امیر المومنین علی (علیه السلام) قرآن کریم را روش و برهانی محکم می‌داند که در آن هیچ گونه گمراهی نیست (نهج البلاغه، خ ۱۹۸).^۱ این مقاله سنت‌های اجتماعی تمدن ساز انبیاء الهی را از دیدگاه قرآن کریم، که به گستردگی به آن پرداخته است، مورد مطالعه قرار می‌دهد.

در این مقاله از روش توصیف و تحلیل آیات قرآن کریم و در صورت نیاز از نهج البلاغه و دیگر روایات با روش تفسیری و اجتهادی بهره خواهیم گرفت.

برخی از جامعه شناسان منابع امور اجتماعی را به دو بخش منابع مشترک اجتماعی ملموس و دیگری میراث غیر ملموس مانند صلح، امنیت، و علم تقسیم کرده‌اند. میراث غیر عینی بویژه سنن اجتماعی که به منظور تنظیم روابط انسان‌ها و چگونگی معاشرت در شهرها و آداب اجتماعی بوجود آمده، خود بخش مهمی از تمدن امت را تشکیل می‌دهد (لاری نوکسی^۲، ۲۰۱۴، ص ۴۰۲. به نقل از: اوستروم^۳، ۲۰۱۰). یوکیچی (۱۳۷۹، ص ۱۱۹ به نقل از بهروزی لک، ۱۳۹۷) نیز برای تمدن دو سطح مادی و معنوی قائل است که سطح معنوی به مثابه‌ی زیر بنای تحقق تمدن مانند موتور محرکه عمل می‌کند و بر اساس نیازهای موجود، به صورت های مادی تمدن شکل می‌دهد.

مقام معظم رهبری نیز به این بخش از تمدن اسلامی در تعریف تمدن اسلامی اشاره کرده‌اند:

۱. و منها جا لا یضل نهجه ... و فرقانا لا یخمد برهانه

تمدن اسلامی، یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایبات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایبات خلق کرده است، برسد (امام خامنه‌ای، ۱۴/۱۶/۱۳۹۲).

بر اساس این تعریف، سنن اجتماعی تمدن ساز انبیاء الهی مصداقی از عوامل غیر مادی تمدن اسلامی است که در این مقاله به آن پرداخته شده است.

از منظری دیگر، این سنن اجتماعی بخشی از فرهنگ انبیاء است که بنیان اساسی تمدن به حساب می‌آید. (ذوعلم ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۳۰-۳۱) می‌گوید: بنیان اساسی عینیت یافتن یک تمدن، فرهنگی است که زیربنای آن تمدن است. فرهنگ از نظر آیت الله العظمی امام خامنه‌ای، ریشه و بنیان هویت اجتماعی انسان‌هاست که بدون اصلاح و رشد و تعالی آن، جامعه نمی‌تواند از حرکت و تحول مثبتی برخوردار شود (امام خامنه‌ای، ۲/۲۸/۱۳۸۳).

بنابراین بحث‌های تمدنی از دیدگاه قرآن کریم را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: بخش اول- بحث‌های ناظر به مظاهر عینی تمدن، بخش دوم- بحث‌های ناظر به مظاهر غیر عینی تمدن. تمدن می‌تواند ناظر به جلوه‌های مادی از قبیل آثار امت‌ها با استفاده از فناوری‌های عصر خود در شهرها باشد. این جلوه‌ها که انعکاسی عینی از روش‌های زندگی و چگونگی استفاده از امکانات شهری برای زندگی است، برحسب معمول در زمره آثار تاریخی و تمدنی رده بندی می‌شوند. قرآن کریم آثار مادی امم گذشته را از بابت عبرت انگیز بودن و نشان دادن سرنوشت آن‌ها مورد نظر قرار داده است و به این گونه آثار از دو جنبه معنوی و مادی می‌نگرد و از رهگذر آن بی‌اعتباری ماهیت دنیا و گذرا بودن آن را به رخ می‌کشد. حتی در حکومت‌هایی نظیر حکومت حضرت سلیمان و یوسف علیهما السلام به بی‌اعتباری دنیا و هدف بودن اجر آخرت تأکید می‌کند (یوسف: ۵۷).^۱ اما در بحث‌های ناظر به مظاهر غیر عینی تمدن، قرآن به تفصیل به سنت‌های اجتماعی انبیاء الهی پرداخته است.

در این مقاله ابعاد غیر عینی تمدن‌ها در میراث اجتماعی انبیاء الهی، که ظرفیت تمدن سازی نوین اسلامی را در خود دارد، تحت عنوان "سنن اجتماعی تمدن ساز انبیاء" در برابر میراث اجتماعی طاغوتیان مورد بحث قرار می‌گیرد.

سنن اجتماعی تمدن‌های مادی به لحاظ دنیاطلبی که یک رویکرد مشترک در همه طاغوت‌ها و

۱. وَلَآجْرُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ.

امت های منکر حق بوده ادامه یافته و امروز در تمدن مادی غرب خود را نشان داده است، و سنن اجتماعی تمدن الهی انبیاء در زنجیره ای به هم پیوسته از انبیاء عظام و پیروان راستین آنان نیز همچنان ادامه یافته است.

قرآن کریم به نتایج سنن اجتماعی تمدن الهی انبیاء عظام در نهایت سیر و آینده اشاره دارد که زنده بودن و تأثیر این سنت ها را در ساخت آخرین و کامل ترین تمدن الهی توسط اسلام، به عنوان آخرین و کامل ترین نسخه دین، مورد تأکید قرار می دهد. این آیات به وعده الهی در مورد به ارث بردن زمین توسط انسان های صالح پرداخته است که در بخش نهایی تحت عنوان "تمدن نوین اسلامی" مورد بحث قرار می گیرد.

سنت گاه به معنای شیوه های پایدار برخورد خدای متعال با امت ها و گاه به معنای روش های امت ها است^۱. سنت های اجتماعی انبیاء و نیز سنت های اجتماعی طاغوتیان از مصادیق معنای دوم سنت هستند و دو تمدن با رویکرد معنوی و مادی یا آخرتی و دنیایی بوجود آورده اند. این دو تمدن که در بسیاری از ویژگی ها باهم تضاد دارند هر یک اوج و حضیض هایی را تجربه کرده اند ولی به لحاظ شکننده بودن باطل در برابر حق^۲، در نهایت غلبه با تمدن انبیاء خواهد بود. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در آخرین خطبه خود، کمتر از یک هفته قبل از شهادت، به عاقبت شکننده تمدن های مادی اشاره می کند. در این فراز، امیرالمؤمنین علیه السلام از نابود شدن فرعونیان و نسل آن ها و عمالقه و نسل آن ها یعنی ریشه کن شدن آن ها یاد می کند. همچنین اشاره به سنن اجتماعی آن ها دارند که به وسیله آن ها می خواستند سنن مرسلین را خاموش و روش های جبارین را احیا کنند (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۲)^۳.

برخی از جامعه شناسان غربی به دیرپا بودن تمدنی که اسلام بنیان نهاده است اقرار کرده اند. به عنوان مثال استیون (۲۰۰۳، ص. ۳۴) می گوید: "ما به شکل طبیعی تمدن خاورمیانه را به ۳۵۰۰ سال

۱. جامعه و تاریخ از نگاه قرآن، محمدتقی مصباح یزدی، بخش دوازدهم: سنت های الهی در تدبیر جوامع.

۲. بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ (۱۸)؛ وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا (۸۱).

۳. "وإن لكم في القرون السالفة لعبرة. أين العمالقة وأبناء العمالقة. أين الفراعنة وأبناء الفراعنة. أين أصحاب مدائن الرس الذين قتلوا النبيين وأطفأوا سنن المرسلين. وأحيوا سنن الجبارين. وأين الذين ساروا بالجيوش وهزموا الألو ف. وعسكروا العساكر ومدنوا المدائن."

قبل از میلاد برنمی گردانیم (هنگامی که تمدن بین النهرین شکل گرفت) بلکه آن را به ظهور اسلام مرتبط می کنیم که به تمدن شکل قطعی داد که تا به امروز نیز از بسیاری جهات آن را نگاه داشته است. این اسلام بود که به تمدن شکل قطعی داد شکلی که به شیوه های زیادی امروز حفظ شده است."

از دیدگاه قرآن کریم مبنای تمدن طاغوتیان گمراه نمودن قومشان بوده (هود: ۹۸)^۱ و مبنای تمدن انبیاء هدایت به سوی سعادت حقیقی آنان بوده است (بقره: ۲ و ۵)^۲. قرآن کریم علت فرستادن پیامبران و کتاب و سنن الهی را برپاداشتن عدالت و یاری انبیاء در برابر ظالمین و ستمگران می داند (الحديد: ۲۵)^۳. بنابراین دودسته از سنن اجتماعی در قرآن کریم قابل تفکیک است یکی سنن اجتماعی تمدن های مادی و دیگری سنن اجتماعی تمدن انبیاء.

سنن اجتماعی تمدن ساز انبیاء

سنت های عمومی و فرهنگی انبیاء الهی در همه جوامع قابل مشاهده است. به شکل کلی خدای متعال به رعایت عدالت و همه نیکی ها امر و از همه کاره ای زشت و ناپسند و ظلم نهی می کند (النحل : ۹۰)^۴. (محمد مولوی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۳۴۳) معتقد است می توان علل و عوامل ایجاد و رشد و نمو جوامع بشری را از یک سو، و علل و عوامل انحطاط و سقوط آنها را از سوی دیگر از قرآن کریم استنباط کرد. وی علل شکوفایی یا انحطاط جوامع و تمدن ها را بر اساس آیات قرآن اراده و اختیار افراد آن جوامع می داند و به نقل از قرشی (۱۳۷۷) به برخی از سنن اجتماعی انبیاء مانند پرهیز از ظلم و تجاوز اشاره می کند و آن را سبب برخورداری جوامع بشری از موهبت های بیکران آسمان و زمین می داند. در ادامه به مقایسه ی چهار سنت از سنت های تمدن ساز انبیاء و سنت های طاغوتیان می پردازیم. لازم به ذکر است که برخی از این سنت ها ممکن است شامل سنت های فرعی دیگری هم بشوند که در ضمن به آنها نیز اشاره خواهد شد:

"

"

۱. وَأَصْلَ فِرْعَوْنَ قَوْمَهُ وَمَا هَدَى (طه : ۷۹)؛ يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَبِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ.

۲. ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ.. أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ .

۳. لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلُهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ .

۴. إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى وَيَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ .

۱. اکرام انسان‌ها در برابر خوار شماردن آنان

خدای متعال انسان را به شکل ذاتی برتر از موجودات دیگر آفریده و گوشزد می‌کند که ما انسان را تکریم کردیم و او را در دریا و خشکی حمل کردیم و از روزی‌های پاکیزه به او دادیم (اسراء: ۷۰).^۱ اما کرامت انسان لازم است با اعمال اختیاری حفظ شود و گرنه خطر سقوط و هبط اعمال وجود دارد. همچنین به دلیل نیازهای فراوان افراد به یکدیگر این کرامت در اجتماع و به کمک یکدیگر رخ می‌دهد.

از جمله آثار اکرام انسان‌ها در اسلام رعایت همسایه هرچند همسایه دور (النساء: ۳۶)^۲ و امان دادن و در سایه حمایت قراردادادن در روابط عام‌تر اجتماعی (التوبه: ۶)^۳ که توسط انبیاء الهی پایه‌گذاری شده است. از امام صادق علیه‌السلام نقل شده که همسایگی نیک باعث زیادی روزی می‌شود.^۴ همچنین خوب همسایگی کردن باعث آبادی شهرها و زیاد شدن عمرها می‌شود.^۵ از مجموع این دو روایت می‌توان استنباط کرد که رعایت همسایگی روزی‌ها را زیاد می‌کند یعنی رونق اقتصادی را به جامعه ارزانی می‌دارد و این رونق اقتصادی باعث آبادی شهرها، و برپایی تمدن مطلوب می‌شود. در برابر این سنت انبیاء یکی از سنن اجتماعی طاغوت‌ها پایین آوردن منزلت انسان‌ها است تا از آن‌ها اطاعت بی‌چون‌وچرا داشته باشند. مسئله ارباب و رعیتی و سلطه ارباب بر رعیت به این هدف بوده که ارباب فعال ما یشاء باشد و هر کاری بخواهد بتواند با رعیت انجام دهد زیرا آن‌ها انسان‌های پستی هستند و ارباب شرافت دارد. قرآن کریم می‌فرماید یکی از روش‌های فرعون خوار شمردن قوم

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجله علمی و پژوهشی

۱. وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا.
۲. وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا.
۳. وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ.
۴. الإمام الصادق (عليه‌السلام). حسن الجوار يزيد في الرزق. ميزان الحكمة ج ۱، ص ۴۸۶ به نقل از أمالي الصدوق:

۱۰/۲۹۴

۵. عنه (عليه‌السلام). : حسن الجوار يعمر الديار ، ويزيد في الأعمار. همان به نقل از: الزهد للحسين بن سعيد : ۴۳/

۱۱۵

خود بود تا احساس حقارت کرده و از وی اطاعت کنند(زخرف: ۵۴)^۱. این سنت امروز نیز باهمان ماهیت در قالب‌ها و نام‌های جدید ادامه یافته است. در نتیجه طبقه‌ای برتر از نظر قدرت، منابع، و به‌ویژه تأثیرگذاری جهانی بوجود آمده که در لباس گول‌های صنعتی در حال شکل دادن دوباره سیاره ما هستند (روتکف، ۲۰۰۹، ص. ۷۱). این طبقه برتر با ثروت‌های افسانه‌ای اقلیتی هستند که در قصرها زندگی می‌کنند و با جت‌های خصوصی پرواز می‌کنند و تنها با مانند خودشان ارتباط می‌گیرند و چیزی که برای آن‌ها مطرح نیست فقرا و مردم معمولی هستند یعنی همان پست و خوار نمودن دیگران تا از آن‌ها اطاعت شود. ریشه استعمار و استثمار انسان‌ها عدم اعتقاد مستکبرین به ارزش انسان‌ها و پست دانستن آنان است(الزخرف: ۵۴)^۲.

با وجود پست شمردن مردم، فرعون شیوه‌ها و ازجمله سنن اجتماعی و مدنی خود را راهی مثال‌زدنی و نمونه معرفی می‌کند و هنگامی که موسی(ع) قیام می‌کند تهمتی که به او می‌زنند این است که او می‌خواهد راه مثال‌زدنی و نمونه آن‌ها را از بین ببرد. حضرت موسی که از پشتیبانی الهی برخوردار بود روز زینت را برای هماوردی با ساحران انتخاب کرد که یکی از مظاهر تمدن مصر بود و آن روزی بود که همه مردم به جشن و آذین‌بندی می‌پرداختند. این انتخاب شاید از این جهت بود که در این جشن ملی همه شرکت می‌کردند و حضرت موسی در نظر داشت که فرعون را در اوج مظاهر تمدنی‌اش سرنگون سازد (سوره طه، آیات ۴۳-۵۶)

۲. هدایتگری در برابر گمراه کردن

یکی دیگر از سنت‌های پیامبران، هدایتگری بوده است. خدای متعال در این باره خطاب به اهل کتاب می‌فرماید: ای اهل کتاب... از طرف خدا، نور و کتاب آشکاری به سوی شما آمد. خداوند به برکت آن، کسانی را که از خشنودی او پیروی کنند، به راه‌های سلامت، هدایت می‌کند؛ و به فرمان خود، از تاریکی‌ها به سوی روشنایی می‌برد؛ و آنها را به سوی راه راست، رهبری می‌نماید (مانده ۱۵-۱۶)^۳.

۱. فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ .

۲. فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ .

۳. يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ (۱۵). يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.

هدایت انسان‌ها از راه دعوت به اطاعت خدا، نیکی و فضیلت شکل می‌گیرد.

اطاعت از خدای متعال که در قرآن کریم با صفت رحمن و رحیم و نیک (الفاتحه: ۱، الطور: ۲۸)^۱ نامیده شده، پیشران تمدن انبیاء است. دین نزد خدای متعال تسلیم در برابر خدای متعال است (آل عمران: ۱۹)^۲. انسان‌ها به آن علت که خدای متعال کسی است که آن‌ها را آفریده و همه نعمت‌ها را به آن‌ها ارزانی داشته باید خدا را بپرستند و از او اطاعت کنند (البقرة: ۲۱-۲۲)^۳. بندگی خدای متعال هدف آفرینش انسان معرفی شده است (الذاریات: ۵۶)^۴ بندگی انسان‌ها را به عالی‌ترین کمال و قرب الهی نائل می‌کند زیرا خدای متعال می‌فرماید خداوند انسان‌ها را برای رسیدن به رحمت خود آفریده است (هود: ۱۱۹)^۵.

نیکی در اسلام به‌عنوان یک آرمان اجتماعی مطرح است (آل عمران: ۱۹۳)^۶. خدای متعال وعده‌های خود را برای نیکان قرار داده است (آل عمران: ۱۹۸)^۷ به‌گونه‌ای که آن‌ها در جهان آخرت در بهترین نعمت‌های الهی و فاسدان در عذاب به سر می‌برند (الإنفطار: ۱۳-۱۴)^۸. نیکی به‌عنوان یک ارزش اجتماعی حتی از سوی منافقان مورد ادعا قرار می‌گیرد (النساء: ۶۲)^۹. قرآن کریم اطاعت بی‌چون از بزرگان و شخصیت‌های اجتماعی را مورد انتقاد قرار می‌دهد و علت ضلالت گروهی از اهل آتش را اطاعت از آنان می‌داند درعین حال با توجه به اختیار انسان‌ها هر دوی مطیع و اطاعت

۱. بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ (الفاتحه: ۱)؛ اِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ اِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِیْمُ (الطور: ۲۸).

۲. اِنَّ الدِّیْنَ عِنْدَ اللّٰهِ الْاِسْلَامُ وَمَا اَخْتَلَفَ الَّذِیْنَ اٰتَوْا الْكِتٰبَ اِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِیًّا بَیْنَهُمْ وَمَنْ یَكْفُرْ بِآیٰتِ اللّٰهِ فَاِنَّ اللّٰهَ سَرِیْعُ الْحِسَابِ .

۳. یٰۤاَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوْا رَبَّكُمُ الَّذِیْ خَلَقَكُمْ وَالَّذِیْنَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُوْنَ . الَّذِیْ جَعَلَ لَكُمُ الْاَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَاَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَاَخْرَجَ بِهٖ مِنَ الشَّجَرٰتِ رِزْقًا لَّكُمْ فَلَا تَجْعَلُوْا لِلّٰهِ اَنْدَادًا وَاَنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ .

۴. وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْاِنْسَ اِلَّا لِيَعْبُدُوْنِ .

۵. اِلَّا مَنْ رَّحِمَ رَبِّكَ وَلِذٰلِكَ خَلَقَهُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ اَجْمَعِیْنَ .

۶. ... وَتَوْفَقًا مَّعَ الْاَبْرَارِ .

۷. ... وَمَا عِنْدَ اللّٰهِ خَيْرٌ لِّلَّذٰلِرِ

۸. اِنَّ الْاَبْرَارَ لَفِیْ نَعِیْمٍ . وَاِنَّ الْفٰجِرَ لَفِیْ جَحِیْمٍ .

۹. فَكَيْفَ اِذَا اَصَابَتْهُمْ مُصِیْبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ اَیْدِيَهُمْ ثُمَّ جَاءَهُمْ وَكَمْ یَخْلِفُوْنَ بِاللّٰهِ اِنْ اَرَدْنَا اِلَّا اِحْسٰنًا وَتَوْفِیْقًا .

شده را محکوم می‌داند (الأعراف : ۳۸)^۱. روز قیامت هر امامی با گروه پیرو خود به صحنه قیامت می‌آید چه امام هدایت چه امام ضلالت (هود : ۹۸)^۲. قرآن کریم مؤمنان را امر می‌کند که از خدا و رسول خدا که عصمت دارد و صاحبان امر که منطبق بر ائمه معصومین می‌شود اطاعت کنند (النساء : ۵۹)^۳. و نیز پیامبر گرامی اسلام الگوی نیکو برای کسانی که ایمان به خدا و امید به آخرت دارند معرفی شده است. رسیدگی به مستمندان و اطعام و پوشاندن آنان و اکرام و رسیدگی به یتیمان (الضحی : ۱۰-۱۱)^۴ نیز از آموزه‌های عام و سرمایه اجتماعی - معنوی پیامبران خداست.

فضیلت طلبی یکی از آموزه‌های تمدنی انبیاء است اولاً فضیلت در دست خداست، او دارای فضل عظیم است (آل عمران : ۷۳-۷۴)^۵ و انسان‌ها باید برای رسیدن به فضل الهی تلاش کنند و هدفشان از کمک به یکدیگر و انجام کارها از جمله آبادانی زمین و خدمت به بندگان خدا رسیدن به فضل الهی باشد. خدای متعال در زندگی خانوادگی عفو را به تقوا نزدیک‌تر می‌داند و می‌فرماید فضیلت را بین خود فراموش نکنید (البقره : ۲۳۷)^۶. همچنین به دنبال فضل الهی بودن باعث می‌شود در تمدن انبیاء میان مردم انصاف حکم فرما باشد (الانعام : ۱۵۲)^۷، یتیم مورد قهر و اموالش مورد تعرض واقع نشود،

۱. قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعْنَتْ أُخْتَهَا حَتَّىٰ إِذَا ادَّارَكُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرَاهُمْ لِأَوْلَاهُمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَآتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِنَ النَّارِ قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٍ وَلَكِنْ لَا تَعْلَمُونَ .
۲. يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَٰئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظَلَّمُونَ فِتْنًا. (الإسراء : ۷۱)؛ ۱۵۷۱ يَاقَوْمُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأُورِدْهُمْ النَّارَ وَبِئْسَ الْوَرْدُ الْمُؤْرَدُ.
۳. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا .
۴. كَلَّا لَٰ يَل تَكْرُمُونَ الْيَتِيمَ وَلَا تَحَاضُونَ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ. (الفجر: ۱۷-۱۸)؛ فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَهْجُرْ. وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ.
۵. رَبِّكُمْ قُلْ إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ. يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ.
۶. وَإِن طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوَ الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَلَا تَنسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ .
۷. وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْكَيْلِ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا تَكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ .

شهادت به عدل داده شود(المائدة: ۱۰۶).^۱ عدالت را به پا داشتن و خدا را در شهادت دادن بر منافع خود، پدر و مادر و خویشاوند آنچه غنی باشند چه فقیر اولی دانستن تنها با این ویژگی قابل پیاده کردن در اجتماع است(النساء: ۱۳۵).^۲ در تمدن انبیاء حتی نباید به خاطر دشمنی کسی عدالت را زیر پا گذاشت(المائدة: ۸).^۳ انفاق در تنگدستی و گشایش، فروبردن خشم، عفو و گذشت و احسان(آل عمران: ۱۳۴)^۴ همه از ثمرات فضیلت طلبی است.

یکی از فضیلت‌ها وفای به عهد است که در سطوح مختلف جامعه از خانواده گرفته تا روابط پیچیده تر انسان‌ها در جامعه تا برسد به رابطه امام و مأموم مورد تأکید قرار گرفته و یکی از پایه‌های مهم و از سرمایه‌های اجتماعی انبیاء است. وفای به عهد الهی، وفای به بیعت با امام و رهبر جامعه و هرگونه عهد و پیمان از سنت‌های اجتماعی انبیاء است.

امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام درباره حق امام نسبت به رعیت می‌فرماید: "اما حق من بر شما عبارت است از وفا به بیعت و خیرخواهی در حضور و غیبت(نهج البلاغه، خ ۳۴)^۵" امیرالمؤمنین علیه‌السلام وفا را با راستی توأم می‌داند و می‌فرماید هیچ سپری را حفظ کننده تر از آن نمی‌دانم و کسی که علم به چگونگی بازگشت (در روز قیامت). دارد خیانت نمی‌کند(نهج البلاغه، خ ۴۱).^۶ درباره وفاداری انسان نسبت به آنچه با خدا عهد می‌کند در دعا می‌فرماید: خدایا ببخش برای من آنچه نزد خود عهد کردم ولی تو وفای به آن را نزد من نیافتی(نهج البلاغه، خ ۷۸).^۷ همچنین می‌فرماید: از

۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ إِنَّنَا نَدَا عَدْلٍ مِنْكُمْ أَوْ آخِرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَابْتَكُمْ مُصِيبَةُ الْمَوْتِ تَحْسَبُونَهُمَا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيَقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنْ اَرْتَبْتُمْ لَا نَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللَّهِ إِنْ آذَانُ لَمِنَ الْآثِمِينَ .

۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوُوا أَوْ تَعَرَّضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا .

۳. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ .

۴. الَّذِينَ يُفْقُونَ فِي السَّيِّئَاتِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ .

۵. وأما حقی علیکم فالوفاء بالبيعة والنصيحة فی المشهد والمغيب.

۶. إن الوفاء توأم الصدق ولا أعلم جنة أوقی منه . ولا یغدر من علم کیف المرجع.

۷. اللهم اغفر لی ما وأبت من نفسی ولم تجدل له وفاء عندی.

راه وفا عهدت را حفظ کن و با امانت‌داری ذمه‌ات را رعایت کن و خود را سپر آنچه می‌بخشی قرار ده و باینکه مردم در امور بسیار اختلاف دارند ولی در میان واجب‌های الهی هیچ چیز مانند وفای به عهد مورد بزرگداشت همگان قرار ندارد (نهج البلاغه، نامه ۵۳)^۱. در عین حال امیرالمؤمنین علیه‌السلام وفای به عهد را در صورت پیمان‌شکنی طرف مقابل منفی قلمداد می‌کنند و می‌فرمایند: وفاداری در برابر اهل خیانت نزد خدا خیانت و خیانت به اهل خیانت نزد خدا وفا می‌باشد (نهج البلاغه، قصاص ۲۵۹)^۲. در برابر سنت هدایت انسان‌ها، طاغوتیان سنت گمراه کردن را به کار می‌بردند:

قرآن کریم یکی از سنن اجتماعی طاغوتیان از جمله فرعون را گمراه کردن و عدم هدایت می‌داند. علت گمراه کردن این است که به منظور حفظ سلطه خود به لذت‌های زودگذر مادی دامن زنند و سرخوشی کاذبی فراهم آورند. این کار در حقیقت گمراه ساختن مردم است زیرا به دنبال آن عاقبت شومی در انتظار مردم خواهد بود. خدای متعال بعد از نقل غرق شدن فرعون می‌فرماید: فرعون قوم خود را گمراه کرد و هدایت نکرد (طه: ۷۹).

از شاخه‌های سنت گمراه کردن دعوت به پرستش و اطاعت از طاغوت (قصص: ۳۸)^۳ و فساد و تبه‌کاری است (فجر: ۱۰-۱۳)^۴.

در سوره واقعه خداوند متعال انسان‌ها را سه دسته تقسیم می‌کند: یاران دست راست (اصحاب یمین)، یاران دست چپ (اصحاب شمال)^۵ و سبقت‌گیرندگان (سابقین). ویژگی یاران دست چپ را را انکار آخرت و قیامت و انجام کارهای خلاف بزرگ به منظور لذت طلبی می‌داند. این ویژگی امروز هم در تمدن غرب خود را تحت عنوان آزادی‌های فردی نشان می‌دهد. در حالی که سردمداران کشورهای غربی و سرمایه‌داران صاحب نفوذ با نیت سلطه بر انسان‌ها و منابع مادی دنیا به

۱. فحط عهدک بالوفاء، وارع ذمتک بالأمانة، واجعل نفسک جنۃ دون ما أعطیت (۴). فإنه لیس من فرائض الله شیئ الناس أشد علیه اجتماعا مع تفرق أهوائهم وتشتت آرائهم من تعظیم الوفاء بالعهد. (عهده الی مالک الاشرت).

۲. الوفاء لأهل العدر غدر عند الله، والغدر بأهل العدر وفاء عند الله.

۳. وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي...

۴. وَفِرْعَوْنُ ذِي الْأَوْتَادِ. الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ. فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفُسَادَ. فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ.

۵. نام گذاری یاران دست چپ و یاران دست راست به دلیل این است که نامه عمل انسان‌های با ایمان و نیک کردار به دست راست آن‌ها و نامه عمل کافران و بدکاران به دست چپ آن‌ها داده می‌شود. این تقسیم‌بندی ارتباطی به اصطلاح سیاسی چپی و راستی ندارد.

لذت‌طلبی‌های توأم با فساد دامن می‌زنند. آن‌ها می‌خواهند از این رهگذر انسان‌ها را در بی‌خبری نگاه دارند ولی همان‌گونه که قرآن کریم در مورد فرعون می‌فرماید اگر عاقبت آن‌ها را ملاک قرار دهیم می‌بینیم که مستکبران قوم خود را هدایت نکرده بلکه آن‌ها را گمراه کرده‌اند (الواقعه: ۴۱-۵۰).^۱ همچنین خدای متعال درباره فرعون و آن‌ها که پیش از او بودند و تهمت زندگان (مؤتفکات) می‌فرماید آن‌ها خطاهای بزرگ مرتکب می‌شدند.

از دیدگاه قرآن کریم مهلت دادن به مجرمین و گشایش‌های مادی که باعث سرمستی آنان و غرق شدن در لذت‌ها و بی‌خبری بیشتر می‌شود یکی از سنت‌های الهی است که املاء و استدراج نامیده می‌شود. املاء یعنی مهلت دادن و استدراج یعنی آن‌ها را در بی‌خبری به سمت عذاب کشاندن. به این ترتیب درهای مادی از همه چیز به روی آن‌ها باز می‌شود تا در شکوفایی اقتصادی و رفاه مادی سرمست شوند، ولی این جنبه از رفاه و سرخوشی از دیدگاه قرآن کریم ناپایدار است و موجب عبرت و سرانجام به استدراج و عذاب منتهی می‌شود (القلم: ۴۴-۴۵).^۲ یکی از ویژگی‌های مستکبران امروز نیز دامن زدن به مفاسد تحت عنوان آزادی‌های فردی است. صنایع بزرگ و پرسود مشروبات الکلی، صنعت پورنو و دیگر جاذبه‌های فاسد میلیاردها دلار به جیب صاحبان آن‌ها سرازیر می‌کند و مردم را در خلسه شهوات نگاه می‌دارد.

۳. عدالت‌گستری در برابر دعوت به ستم

عدالت‌گستری یکی از سنت‌های اصلی انبیاء الهی است به گونه‌ای که خدای متعال هدف اصلی بعثت انبیاء را برپایی عدالت می‌داند (حدید: ۲۵).^۳ عدالت ابعادی در اجتماع دارد که بخشی از آن عدالت در خرید و فروش و اقتصاد (الإسراء: ۳۵)^۴ و بخشی عدالت اجتماعی است (الأعراف: ۲۹)

۱. وَأَصْحَابُ الشَّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشَّمَالِ * فِي سَعْمٍ وَحَمِيمٍ * وَظَلٌّ مِنْ يَحْمُومٍ * لَا بَارِدَ وَلَا كَرِيمٍ * إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ * وَكَانُوا يُصْرُونَ عَلَى الْغَنِيِّ الْعَظِيمِ * وَكَانُوا يَقُولُونَ أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَأَنْتَا لَمَبْعُوثُونَ * وَأَبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ * قُلْ إِنْ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ * لَمَجْمُوعُونَ إِلَى مِيقَاتِ يَوْمٍ مَعْلُومٍ .

۲. فَذَرْنِي وَمَنْ يُكَدِّبْ * بِهِذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ * مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ * وَأُمْلِي لَهُمْ * إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ .

۳. لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ * وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ * وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعُ لِلنَّاسِ * وَيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ * إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ .

۴. وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ * وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ * ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا

هود : ۸۵).^۱ قسط و عدل مبنای کارهای خداست (یونس : ۵۴)^۲ و از بندگان هم همین را خواسته است: اگر دو گروه از مؤمنان باهم به جنگ پرداختند بین آنها صلح و آشتی برقرار کنید پس اگر یکی بر دیگری ستم کرد با آن که ستم می کند بجنگید تا به امر خدا گردن نهد پس اگر برگشت صلح را با رعایت عدالت بین آنها برقرار کنید و قسط را پیشه کنید چون خدا قسط پیشگان را دوست می دارد (الحجرات : ۹)^۳. پیامبران هم در هر امتی مبعوث شدند با عدالت بین آنها حکم کردند و آنها مورد ستم واقع نشدند (یونس : ۴۷)^۴. یکی از اهداف انبیاء و آزمون های الهی نصرت خدا و رسولان الهی برای برپاداشتن عدالت در جامعه است (الحديد : ۲۵)^۵. حتی خدای متعال از تعامل عادلانه با کشورهای غیرمسلمان نهی نکرده بلکه عدالت پیشگان را دوست می دارد (الممتحنه : ۸)^۶. یکی از مظاهر قسط و عدالت در تمدن اسلامی نوشتن اسناد است که وسیله عمل به قسط را فراهم می آورد (البقره : ۲۸۲)^۷. انبیاء عظام عدالت و قسط را در مبارزه با مستکبرین و طاغوت ها پیگیری می کردند و

۱. قُلْ أَمْرٌ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ (الأعراف : ۲۹):

وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (هود : ۸۵).

۲. وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ .

۳. وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتَ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ .

۴. وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قَضَىٰ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ .

۵. لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَيَعْلَمُ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ .

۶. لَا يَنْهَأكَمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ .

۷. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَيْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُبَ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْأَمُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفَلَّحُوا فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيَعْلَمُ اللَّهُ الْهَادِيَ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ .

به همین دلیل است که مبارزه با ستمگران در برنامه‌های انبیاء بسیار برجسته است (آل عمران: ۱۴۶).^۱ خودبزرگ‌بینی، کبر و استکبار از بدترین عیوب، بلکه ساقط کننده دانسته شده به درجه‌ای که علت اصلی رانده شدن ابلیس از درگاه خدا استکبار وی شمرده شده است (البقره: ۳۴).^۲ استکبار فرعون‌ها را در طول تاریخ وادار به جرم‌های سنگین کرده است (یونس: ۷۵).^۳ نازیدن به قدرت در اثر استکبار استکبار علت دچار شدن آنان به عذاب الهی دانسته شده است (فصلت: ۱۵).^۴ کسانی که خوی استکباری داشتند مؤمنان را ضعیف می‌پنداشتند و از ایمان به پیامبران بازمی‌داشتند (الأعراف: ۷۵).^۵ و آن‌ها را تهدید به اخراج می‌کردند مگر آن‌که روش آن‌ها بپذیرند، اما مؤمنان در برابر آن‌ها ایستادگی می‌کردند و در مشکلاتی که در این راه برایشان پیش می‌آمد بر خدا توکل می‌کردند و از او یاری می‌جستند (الأعراف: ۸۸-۸۹).^۶ در حقیقت استکبار آن‌ها باعث سلب آزادی از پیروان انبیاء می‌شد اما آن‌ها با استقامت در برابر آن‌ها می‌ایستادند. بنابراین سنت اجتماعی پیامبران نه تنها پرهیز از استکبار، بلکه مخالفت با مستکبران و صف آرایی در برابر آنان بود. این صف آرایی همچنان تا به امروز ادامه دارد. خدای متعال در برابر ایمان و عمل صالح انسان‌ها وعده اجر کامل و بیشتر از آن به فضل خود و به عکس به کسانی که سرپیچی و استکبار می‌کنند وعده عذابی دردناک داده است (النساء: ۱۷۳).^۷

-
۱. وَكَأَيِّن مِّن نَّبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ .
 ۲. وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ .
 ۳. ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِم مُّوسَىٰ وَهَارُونَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ .
 ۴. فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ .
 ۵. قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتُضِعُوا لِمَنْ آمَنَ مِنْهُمْ اتَّعَلَمُونَ أَنَّ صَالِحًا مُّرْسَلٌ مِنْ رَبِّهِ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ .
 ۶. قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا قَالَ أَوَلَوْ كُنَّا كَارِهِينَ . قَدِ افْتَرَيْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِنْ عُدْنَا فِي مِلَّتِكُمْ بَعْدَ إِذْ نَجَّانَا اللَّهُ مِنْهَا وَمَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَعُودَ فِيهَا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّنَا وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ .
 ۷. فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَأَمَّا الَّذِينَ اسْتَنكَفُوا وَاسْتَكْبَرُوا فَيُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا . فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَأَمَّا الَّذِينَ اسْتَنكَفُوا وَاسْتَكْبَرُوا فَيُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا .

درحالی که انبیاء مردم را دعوت به عبادت پروردگار و آزادی از یوغ هر انسان مستکبری می کردند، مستکبران به دنبال آن بودند که مردم را وادار به اطاعت خود کنند (المؤمنون: ۴۷، القصص: ۳۸).^۱ پرستش خدای یگانه و آزادی و عدم اطاعت هر قدرت دیگر یکی از ویژگی های برجسته تمدن انبیاء در برابر تمدن های مادی است.

فرعون به غیر حق می خواست با برجی که در آن زمان تکنولوژی روز را نیاز داشت خدای موسی را نفی کند خدا هم او و لشکریانش را در دریا غرق کرد (القصص: ۳۸؛ القصص: ۳۹-۴۰).^۲ آن ها قوت و نیروی نظامی خود را ملاک برتری می دانستند درحالی که با این ملاک خدای متعال از همه قوتش بالاتر است. سنت مقاومت در برابر مستکبران از همین جا نشأت می گیرد. به عنوان مثال وقتی تعداد سربازان کم شمار طالوت با لشکریان انبوه جالوت مواجه شدند ابتدا گفتند ما طاقت رویارویی با او را نداریم امام آن ها که ایمان به لقاء پروردگار داشتند در مقام دلداری یاران خویش گفتند چه بسا جمعیت کمی که به اذن خدا بر جمعیت بسیاری چیره شدند. پس هنگامی که با جالوت روبه رو شدند دست به دعا برداشتند و از خدا صبر و ثبات قدم و نصرت خواستند پس آن ها را به اذن خدا شکست دادند (البقره: ۲۴۹-۲۵۱).^۳ پایداری در برابر استکبار امروز نیز یکی از ویژگی های تمدنی اهل ایمان است.

سنن دیگری را می توان به عنوان فروع این سنت یا نزدیک به آن دانست مانند خودداری از بغی و

۱. فَقَالُوا أَنْوَمِنُ لَيْسَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عَابِدُونَ (المؤمنون: ۴۷)؛ وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي... (القصص: ۳۸).

۲. فَأَوْقِدْ لِي يَا هَامَانَ عَلَى الطَّيْنِ فَاجْعَلْ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أُطْعَمُ إِلَى إِلَهٍ مُوسَى وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ (القصص: ۳۸)؛ وَاسْتَكْبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ. فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ فَاظْطَرُّوا كَيْفَ كَانَتْ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ (القصص: ۳۹-۴۰).

۳. فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بَنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اعْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةً غَلَبَتْ فِيهِ كَثِيرَةٌ يَأِذِنُ اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ. وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَخْرِغْنَا مِنْهُ صَبْرًا وَنَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ. فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ.

ستم^۱. مردم در ابتدا یک امت بودند ولی به خاطر بغی و ستم بر یکدیگر از هم جدا و پراکنده شدند، خدای متعال ضمن محکوم کردن ستمگران به مظلومان اجازه می دهد که از خود در برابر آنان دفاع کنند. باینکه بدگویی دیگران مورد نهی است ولی در مورد مظلوم استثنا شده است. طاغوتیان در برابر انبیاء به ظلم و ستمگری می پرداختند:

سنت ستمگری و تعدی به حقوق انسان‌ها برای به دست آوردن سلطه و حفظ آن از سنت‌های جباران و طاغوت‌ها در طول تاریخ بوده است. یکی از سنت‌های اجتماعی فرعون مجازات مخالفان بود تا جایی که فرعون به "ذو الاوتاد (الفجر : ۱۰)"^۲ یعنی صاحب میخ‌ها لقب گرفت زیرا کسانی را که مخالف می پنداشت به میخ می کشید و زیر شکنجه می کشت. این شکنجه‌ها به دلیل زهرچشم گرفتن از دیگران بود که فکر مخالفت با او را از سر بدر کنند. قرآن کریم دو مورد از مجازات‌های فرعون را اشاره می کند یکی در مورد ساحرانی است که وقتی معجزه حضرت موسی (ع) را دیدند و دانستند از جنس سحر نیست و ایمان آوردند، یک دست و یک پای آن‌ها را برید و از تنه‌ی نخل

۱. كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (البقره : ۲۱۳)؛ إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالِ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا (النساء : ۱۰)؛ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا. وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عَدُوًّا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصَلِّيهِ نَارًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا (النساء : ۲۹-۳۰)؛ لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا (النساء : ۱۴۸)؛ فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَظْلِمُونَ (الأعراف : ۱۶۲)؛ وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ (هود : ۱۱۳)؛ وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنبُوْنَهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَا آخِرَةَ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (النحل : ۴۱)؛ أَذِنَ لِلَّذِينَ يَقَاتِلُونَ بِأَنفُسِهِمْ ظَلْمًا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ (الحج : ۳۹)؛ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدٌ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (الحج : ۴۰)؛ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ (الشعراء : ۲۲۷).

۲. وَفِرْعَوْنُ ذِي الْأُتَادِ .

آویخت (طه : ۷۱)'. قرآن کریم می‌فرماید وقتی فرعون آن‌ها را تهدید به این‌گونه قتل نمود با روی باز استقبال کردند و گفتند اشکالی ندارد ما به‌سوی پروردگاران می‌رویم (الشعراء : ۵۰-۵۱)'.^۲ به این ترتیب تحت سلطه درآوردن مردم از راه مجازات و شکنجه جزء سنن اجتماعی فرعون محسوب می‌شود. مورد دیگر کشتن آسیه همسر فرعون زیر شکنجه و به میخ کشیدن او بود که قرآن کریم از آن زن قهرمان که به خاطر ایمان به حضرت موسی (ع) از شهادت استقبال کرد نقل می‌کند که زیر شکنجه با خدا مناجات می‌کرد و می‌گفت خدایا برای من نزد خود خانه‌ای در بهشت بنا کن و مرا از فرعون و عملش نجات عنایت کن (التحریم : ۱۱)^۳. متهم نمودن ملت‌های تحت ستم که خواهان احقاق حقوق خود هستند مانند فلسطین به تروریسم و حمایت از ظالمین نظیر رژیم صهیونیستی در زمان ما در همین راستا حاکی از ادامه این سنت جباران است.

استکبار وجه غالب و یکی از علل اصلی ظلم است. استکبار از ابلیس آغاز شد که از سجده به آدم به خاطر استکبار سرباز زد و از درگاه الهی رانده شد (بقره: ۳۴)^۴. قرآن کریم کسانی را که به خاطر استکبار خود از پذیرش آیات الهی خودداری می‌کنند ظالم‌ترین افراد می‌داند (اعراف: ۳۶-۳۷)^۵. یکی دیگر از سنت‌های ظالمین امر به قتل است. کشتن انسان‌ها برای ظالمین آسان به نظر می‌رسد. اولین قتل بین انسان‌ها نیز با آسان نمودن آن نزد خود اتفاق افتاد (مائده: ۳۰)^۶. به‌عنوان مثال هنگامی که موسی و هارون با پیام الهی به‌سوی فرعون و درباریان او رفتند و آیات الهی را به آن‌ها نشان دادند اطرافیان فرعون گفتند آن‌ها را بکشید (غافر: ۲۳-۲۵)^۷.

۱. قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ أَدْنَى لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرٌ كُمْ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَأَقْطَعَنَّ آيَدَيْكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَأَصْلَبَنَكُمْ فِي جُدُوعِ النَّخْلِ وَلَتَعْلَمَنَّ آيُنَا أَسَدُ عَذَابًا وَأَبَى .

۲. قَالُوا لَا ضَيْرَ إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ ﴿۳۰﴾ إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا أَنْ كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ .

۳. وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةٌ إِمْرَأَةٌ فَرُوعُونَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ .

۴. وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ .

۵. وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ. فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ...

۶. فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ .

۷. وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُبِينٍ. إِلَى فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَقَارُونَ فَقَالُوا سَاحِرٌ كَذَّابٌ. فَلَمَّا جَاءَهُم بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَاسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ وَمَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ .

یکی دیگر از سنت‌های فرعی ظلم و ستم در کنار کشتار نسل از بین بردن کشت و زرع است (بقره: ۲۰۴-۲۰۵).^۱

۴. دعوت به فضیلت و آبادگری در برابر فساد و تبهکاری

پرهیز از فساد مادی و معنوی و آباد کردن سرزمین یکی از آموزه‌های اجتماعی و تمدنی انبیاء است. فساد روی زمین و نابود کردن کشت و نسل از دیدگاه انبیاء الهی محکوم است (البقره: ۲۰۵).^۲ گرچه برای انسان‌ها دوست داشتن خواسته‌ها از زنان و پسران و ثروت‌های هنگفت از طلا و نقره و مرکب‌های قوی و چهارپایان و کشت و زرع زینت داده شده و کالای ضروری زندگی دنیا است اما آنچه نزد خداست آینده‌ای نیک دارد (آل عمران: ۱۴).^۳ قرآن کریم از زبان صالح خطاب به قوم ثمود می‌گوید: ای قوم بندگی خدا کنید چون خدایی غیر او برای شما نیست اوست که شما را از زمین پدید آورد و از شما خواست آن را آباد کنید پس از او طلب بخشش کنید سپس به سوی او بازگردید براستی پروردگار من نزدیک و پاسخ‌دهنده است (هود: ۶۱).^۴

یکی از سنت‌های فرعی این سنت بزرگ شماردن قتل است که قتل یک انسان مساوی با قتل همه انسان‌ها قرار داده شده (المائدة: ۳۲).^۵ اما قتل سنت مستکبرین و دشمنان انبیاء بوده است (غافر: ۲۵).^۶ در اسلام سقط جنین به همین دلیل که قتل نفس است از گناهان بزرگ شمرده شده است (الممتحنة

۱. وَمِنَ النَّاسِ مَن يُعْجِبُ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ . وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ .

۲. وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ .

۳. زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ .

۴. وَإِلَىٰ تَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوَابُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيمٌ مُّجِيبٌ .

۵. مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعُدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمْسْرِفُونَ .

۶. فَلَمَّا جَاءَهُم بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَاسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ وَمَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ .

الملتحنه: ۱۲) ۱. در همان حال قصاص (البقره: ۱۷۸) ۲ و قتال با ظالمین و مستکبرین در حمایت از مستضعفین (النساء: ۷۵) ۳ و احقاق حق واجب شمرده شده است.

در تمدن انبیاء امکانات در راه کسب آخرت به کار گرفته می شود و نباید در راه فساد روی زمین باشد. نیز فساد روی زمین در اثر کارهای بد مردم پدید می آید (الروم: ۴۱) ۴. به همین دلیل مجازات هایی برای مفسدان (المائدة: ۳۳) ۵ و سنت امر به معروف و نهی از منکر برای محافظت از مرزهای ارزشی و هنجارهای اخلاقی و دینی در اسلام قرار داده شده است (هود: ۱۱۶) ۶ خدای متعال دو گروه را که یکدیگر را یاری می کنند یاد کرده و می فرماید اگر مؤمنین یکدیگر را در راه خدا یاری نکنند فتنه و فساد بزرگی در زمین ایجاد می شود زیرا کافرین یکدیگر را در کفر یاری می کنند (الأنفال: ۷۳) ۷. مفسدان نیز گاه در تبلیغات سوء خود مصلحان را متهم به فساد و ریزیم می کنند (غافر: ۲۶) ۸. باینکه تمدن های مادی بنا شده بر ظلم و ستم و فساد باشکوه بود، اما تاریخ شاهد افول آن ها بوده است (یوسف: ۱۰۹-۱۱۰) ۹.

۱. يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِهِنَّ نَفْسَهُنَّ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْتَصِبْنَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنْ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ.
۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحَرُّ بِالْحَرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَىٰ بِالْأُنثَىٰ فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتِّبَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ.
۳. وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانَ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا.
۴. ظَهَرَ الْفُسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ.
۵. إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِّنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ.
۶. فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِن قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفُسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ.
۷. وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُن فِتْنَةً فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ.
۸. وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَىٰ وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفُسَادَ.
۹. وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلَمَّا سَيَّرُوا فِي الْأَرْضِ فَبَيَّنُّوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ آمَنُوا أَفَلَا يَعْقِلُونَ. حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْسَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِيَ مَن نَّشَاءُ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ.

لازمه سنت پرهیز از فساد در زمین پرداختن به آبادانی زمین است که می توان آن را نزدیک ترین مفهوم به تمدن به حساب آورد. به گفته کری فریس^۱ و جیل استین^۲، ابن خلدون، اندیشمند غیر غربی که در شمال آفریقا در قرن چهاردهم میلادی زندگی می کرد، درباره مفاهیمی مانند همبستگی اجتماعی^۳ یا "العصبیه"^۴ ۵۰۰ سال قبل از دورکیم و شکل دهی زندگی افراد توسط نیروهای بزرگ تر اجتماعی و تاریخی، ۶۰۰ سال قبل از میلاد^۴ تحت عنوان "ارتباط زندگی نامه و تاریخ"^۵، علم جامعه شناسی را به عنوان رشته "علم عمران" یا "علم تمدن"^۶ پایه گذاری کرد (۲۰۱۰، ص ۳۸). این تعریف، تمدن را به واژه "عمران" یا "آبادگری" مرتبط می سازد. گرچه آبادگری از دیدگاه قرآن کریم با آبادگری از دیدگاه مادی متفاوت و اعم از آن است، ولی آبادگری را از انسان ها خواسته است (هود: ۶۱).^۷

تمدن نوین اسلامی

قرآن کریم درباره آینده تمدن بشر اظهار نظر کرده و عاقبت را از آن متقین دانسته است یعنی تمدن کامل و الهی خالص را مؤمنین در سراسر دنیا برپا خواهند کرد و این وعده ای است که خدای متعال به بشر داده است. اطاعت خدای متعال که بخش بزرگی از آن در اجرای سنت های تمدن آفرین انبیاء تجلی می کند سرانجام باعث پیروزی حق بر باطل و برپایی تمدن همه جانبه و فراگیر الهی در جهان یا تمدن نوین اسلامی می شود. همه ظلم ها فسادها و جهالت ها در نهایت از بین خواهند رفت و جای خود را به عدالت و تقوا و پاکی و فضیلت خواهند داد. بعد از این که خدای متعال در قرآن کریم داستان هلاکت اقوامی از منکرین، مفسدین و مکذبین را برای پیامبر خدا نقل می کند می فرماید: پس صبر کن زیرا عاقبت از آن اهل تقوا است (هود: ۴۹).^۸ در جای دیگری می فرماید: آیا در زمین سیاحت نمی کنند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آن ها بودند چگونه بود و بی تردید خانه آخرت برای اهل

1 . Kerry Ferris

2 . Jill Stein

3 . social cohesion

4 . Mill

5 . the intersection of biography and history

6 . the science of civilization

۷. وَإِلَىٰ مُؤدِّ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ

ثُمَّ تَوُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيمٌ مُّجِيبٌ .

۸. تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ .

تقوا بهتر است پس آیا عقل خود را بکار نمی‌گیرید (یوسف : ۱۰۹) ^۱ ؟

مهم‌تر از همه وعده صریحی است که خدای متعال به بندگان مؤمن و صالحان می‌دهد: "خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت؛ و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آن‌چنان‌که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقانند (النور : ۵۵، الأنبياء : ۱۰۵) ^۲." این‌ها کسانی هستند که اگر روی زمین امکان بیابند نماز را به پا می‌دارند زکات می‌پردازند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و عاقبت امور برای خداست (الحج : ۴۱) ^۳.

این فرایند بر اساس سنن الهی (آل عمران : ۱۳۷) ^۴ و با زحمت و تلاش فراوان حاصل می‌شود، به‌عنوان مثال حضرت موسی علیه‌السلام خطاب به قومش فرمود: از خدا یاری بخواهید و صبر پیشه کنید زیرا زمین از آن خداست و آن را به ارث به کسی که می‌خواهد از بندگانش خواهد داد و عاقبت از آن اهل تقوا است (الأعراف : ۱۲۸) ^۵. خداوند همچنین وعده می‌دهد که امید است پروردگارتان دشمن شما را هلاک کند و شما را در زمین جانشین کند تا ببیند شما چگونه عمل خواهید کرد (الأعراف : ۱۲۹) ^۶. در آیه دیگری تصریح می‌کند که هیچ چیز نه در آسمان‌ها و نه در زمین نمی‌تواند خدا را ناتوان سازد (فاطر : ۴۴) ^۷. در جای دیگر با اشاره به کثرت عدد طاغوتیان و نیرو و توان و آثار

۱. ... أَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ .
۲. وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (النور : ۵۵)؛ وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُرِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرُثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ (الأنبياء : ۱۰۵).
۳. الَّذِينَ إِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ .
۴. قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِّبِينَ .
۵. قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ .
۶. قَالُوا أَوْ دِينًا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِيَنَا وَمِنْ بَعْدِ مَا جِئْنَا قَالَ عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ .
۷. أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا .

آثار آن‌ها بر روی زمین، می‌فرماید آنچه به دست آوردند آن‌ها را بی‌نیاز نکرد (غافر: ۸۲).^۱ در جای دیگری می‌فرماید: برای آن‌ها که حق را انکار می‌کنند نظیر آن سرنوشت خواهد بود (محمد: ۱۰، الروم: ۹، غافر: ۲۱).^۲

اما با توجه به این که اراده الهی بر این تعلق گرفته که انسان‌ها با اختیار خود این راه را هموار سازند، این امر از راه تعاون و همکاری برای برپایی تمدن نوین اسلامی میسر خواهد شد. یاری یکدیگر به شکل جمعی در راه حق یکی از شاخصه‌های تمدنی انبیاء است. از این راه تشکل‌هایی با اهداف الهی شکل می‌گیرد. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید با یکدیگر در مسیر نیکی و تقوا همیاری کنید و در مسیر گناه و دشمنی همکاری نکنید (المائد: ۲).^۳ این مسئله باعث پدید آمدن نهادهای خیر در جامعه می‌شود. به این ترتیب خدمت به هم نوعان و در مسیر آبادانی سرزمین و رفع گرفتاری‌های جامعه گام‌های مؤثری برداشته خواهد شد. از جمله این جمعیت‌ها جمعیت هم هدفی است که برای امر به معروف و نهی از منکر تشکیل می‌شود خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید باید از میان شما گروهی هم هدف و امتی که دعوت به خیر کنند و از بدی‌ها نهی کنند وجود داشته باشد این جمعیت حتماً به اهداف خود خواهند رسید (آل عمران: ۱۰۴).^۴ این همیاری برای برپایی معروف معروف ممکن است در سطح ملی و یا سطح جهانی مطرح شود. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: "شما بهترین امتی بودید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اند؛ (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید. و اگر اهل کتاب، (به چنین برنامه و آیین درخشانی، ایمان آورند، برای آنها بهتر است! (ولی تنها) عده کمی از آنها با ایمانند، و بیشتر آنها فاسقند، (و خارج از اطاعت

۱. أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَأَثَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أَعْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ.

۲. أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهَا (محمد: ۱۰)؛ أَوْلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضِ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (الروم: ۹)؛ أَوْلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارًا فِي الْأَرْضِ فَآخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ (غافر: ۲۱).

۳. وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ .

۴. وَتَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ .

پروردگار) (آل عمران: ۱۱۰)^۱ بنابراین برپایی تمدن نوین اسلامی درگرو امر به معروف و نهی از منکر در سطح کشور اسلامی، ملت‌های مسلمان و در سطح جهان خواهد بود.

نتیجه‌گیری

می‌توان در مجموع نتیجه گرفت که انبیاء در برابر سنت خوار شمردن از سوی طاغوت‌ها، سنت اکرام انسان‌ها، در برابر سنت گمراه کردن از راه دعوت به پرستش طاغوت و تبهکاری، سنت هدایت از راه دعوت به اطاعت از خدا و فضیلت طلبی، در برابر سنت ستمگری و استکبار، سنت عدالت‌گستری از راه مبارزه با استکبار و بازداری از ستم و در برابر سنت فساد در زمین از راه خون‌ریزی و نابودی کشت و زرع، آبادگری و تمدن‌سازی را پایه‌گذاری و پیگیری کردند. مؤلفه‌های سنن اجتماعی تمدن مادی و تمدن الهی در جدول شماره ۱ باهم مقایسه شده‌اند.

جدول شماره ۱: مؤلفه‌های سنن اجتماعی تمدن مادی در مقایسه با سنن اجتماعی تمدن الهی.

سنن اجتماعی تمدن ساز انبیاء	سنن اجتماعی طاغوتیان
اکرام انسان‌ها	خوار شمردن انسان‌ها
هدایت‌گری	گمراه کردن
دعوت به اطاعت و پرستش خدا	دعوت به اطاعت و پرستش طاغوت
فضیلت طلبی	فساد و تبهکاری
عدالت‌گستری	ستم‌گری
مخالفت با کبر	استکبار
بازداری از ستم	دعوت به ستم
آبادگری	فساد در زمین
بزرگ شمردن قتل	قتل و خون‌ریزی
کشاورزی و تولید	نابود کردن کشاورزی

طبق وعده‌ی قرآن کریم این دودسته از سنت‌ها همچنان در جامعه انسانی نقش‌آفرینی می‌کنند تا سرانجام به دست صالحان زمین تمدن نوین اسلامی به دست منجی بشریت مهدی موعود (عجل‌الله-

۱. كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ.

فرجه) تشکیل و عدل و داد در سراسر جهان سایه گستر شود. وظیفه آحاد امت اسلامی آن است که با بهره‌گیری از سنت‌های اجتماعی انبیاء زمینه این ظهور را فراهم آورند.

منابع

۱. القرآن الکریم.

۲. نهج البلاغه.

۳. بهروزی لک، (۱۳۹۷)، استلزامات نظریه "ماهیت استرشادی فطری زندگی اجتماعی" در تمدن سازی اسلامی، مجموعه مقالات نخستین هفته علمی تمدن نوین اسلامی، ج اول، ماهیت، مبانی و مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی، شرکت چاپ و انتشارات، سازمان اوقاف و امور خیریه.

۴. خمینی (امام)، روح الله، صحیفه نور، ج ۵:

<https://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=58950&vn=5&gpn=204>

۵. ذوعلم، علی (۱۳۹۷)، بنیان‌های اساسی تمدن نوین اسلامی با تأکید بر اندیشه آیت الله العظمی خامنه‌ای، مجموعه مقالات دومین هفته علمی تمدن نوین اسلامی، ج دوم، مبانی نظری تمدن نوین اسلامی، شرکت چاپ و انتشارات، سازمان اوقاف و امور خیریه.

۶. مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۹۰)، جامعه و تاریخ از نگاه قرآن، انتشارات امام خمینی ره، چاپ اول.

۷. مولوی، محمد، (۱۳۹۷)، تأثیر گرایش اجتماعی در تفاسیر قرآن بر شکل‌گیری و شکوفایی تمدن نوین اسلامی، مجموعه مقالات دومین هفته علمی تمدن نوین اسلامی، ج دوم، مبانی نظری تمدن نوین اسلامی، شرکت چاپ و انتشارات، سازمان اوقاف و امور خیریه.

8. Ferris, Kerry & Stein, Jill. *The Real World_ An Introduction to Sociology*. Second Edition. W. W. Norton & Company. 2010.

9. Nucci, Larry. etal., *Handbook of Moral and Character Education*. Routledge. Taylor & Francis Group. New York & London. 2014.
10. Rothkopf, David. *Superclass_ The Global Power Elite and the World They Are Making*. Farrar, Straus and Giroux. 2009.
11. Stearns, Peter N. *Themes in world history -Western Civilization in World History*. Routledge. 2003.

